

طرح‌های نظامی و راه‌سازی روسیه تزاری در ایران^۱

محمدعلی کاظم بیکی^۲

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

در سده‌های اخیر، برقراری و حفظ مناسبات با روسیه، به‌عنوان قدرتی بزرگ در همسایگی ایران، جایگاهی ویژه در سیاست خارجی ایران داشته است. بررغم طبیعت چندوجهی روابط بین این دو کشور، توسعه‌طلبی، تهدیدات نظامی و مداخلات روسیه همواره یکی از موجبات نگرانی ایران بوده است. مقاله کنونی ترجمه و بررسی سندی سَری درباره بخشی از طرح‌های نظامی روسیه در ایران است که در ۱۹۰۹م به دست عوامل اطلاعاتی بریتانیا افتاد. بررسی این طرح در بستر طرح‌های نظامی منسوب به روسیه، برای توسعه‌طلبی در قلمرو ایران و نیز به‌خطر انداختن منافع بریتانیا در هندوستان، افزون بر نشان‌دادن برنامه پیشروی روسیه به سوی خلیج فارس در ۱۹۰۷، آشکار می‌سازد که در سرمایه‌گذاری سنت پترزبورگ در طرح‌های راه‌سازی در ایران، اهداف نظامی جایگاهی ویژه داشت؛ دیگر آن که با انعقاد توافقنامه ۱۹۰۷ روسیه- بریتانیا، نقشه جنگی مذکور که اساساً علیه منافع بریتانیا بود، در عمل در جنگ جهانی اول برضد ملیون ایران و قدرت‌های مرکزی به‌کار گرفته شد.

کلیدواژه‌ها: ایران، خلیج فارس، توسعه‌طلبی نظامی روسیه، تاریخ راه‌سازی در ایران، جنگ جهانی اول.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۰. تاریخ این تحقیق در قالب طرح پژوهشی شماره ۰۴/۰۱/۴۲۰۴۰۱۳ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

۲. رایانامه: mabeyki@ut.ac.ir

همین که سپاهیان تزار، ایوان چهارم (ایوان مخوف)، در پی فتح شهر تاتارنشین قازان در کنار رود ولگا (۱۵۵۲م) و سپس بندر آستاراخان (۱۵۵۶م)، شمشیرهای خونین خود را در آب‌های دریای مازندران شستند،^۳ ایران دارای همسایه‌ای جدید اما ناخواسته به نام روسیه شد که در فاصله سده‌های ۱۶ تا اواخر ۱۹م به گسترده‌ترین امپراتوری تبدیل گشت. مناسبات ایران با این همسایه، گذشته از توسعه‌طلبی خود روسیه، همواره از چند متغیر تأثیر می‌پذیرفت؛ اقتدار دولت ایران، تحرکات دولت ثالث منطقه، یعنی عثمانی که با هر دو کشور مرز مشترک داشت، و سرانجام سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای (بریتانیا و از سده ۲۰م آلمان). تأثیر این متغیرها در مناسبات دولتی بسیار زود به چشم آمد و مقابله با توسعه‌طلبی‌ها و مداخلات روسیه به یکی از دل‌نگرانی‌های عمده دولت ایران و نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به‌ویژه بریتانیا تبدیل گردید.

توسعه‌طلبی روسیه در قلمرو ایران واقعیتی تاریخی است. هنگامی که افغان‌ها با واژگون کردن دولت صفویان، فرصتی برای پیشروی نیروهای عثمانی در خاک ایران فراهم آوردند، تزار روسیه، پتر کبیر (حک. ۱۰۹۳-۱۱۳۷هـ/ ۱۶۸۲-۱۷۲۵م) که از مدت‌ها پیش از طریق گزارش‌های فرستاده‌اش به اصفهان، آرتمی ولینسکی^۴ (اعزام به ایران ۱۱۲۹هـ/ ۱۷۱۷م)، از اوضاع نابسامان و ضعف ایران در عصر شاه سلطان حسین صفوی آگاه شده بود، برای گسترش قلمرو روسیه و نیز جلوگیری از توسعه‌طلبی عثمانی در قفقاز، به قلمرو ایران در سواحل دریای مازندران دست‌اندازی کرد.^۵ پتر با استفاده از موقعیت متزلزل شاه طهماسب دوم، آخرین شاه صفوی در مواجهه با افغان‌ها و عثمانی، موفق شد خواسته‌های ارضی روسیه در قفقاز و شمال ایران را با انعقاد دو عهدنامه تأمین کند: الف- معاهده‌ای که با اسماعیل بیگ اعتمادالدوله، فرستاده ویژه شاه طهماسب به سنت‌پترزبورگ، در ۲۲ ذی-

۳. انگیزه ایوان مخوف برای لشکرکشی به خانات تاتار آمیزه‌ای از انتقام از استیلای دراز مدت تاتارها بر روس‌ها،

جنگ صلیبی بر ضد اسلام و کشورگشایی بود، نک. Stone, 12

4. Artemii Volynski

5. Lockhart, *Nadir*, 5; Atkin, 4-5.

حججه ۱۲/هـ/۱۱۳۵ سپتامبر ۱۷۲۳ م امضا کرد که ماده دوم آن حاوی موافقت ایران با واگذاری ولایات گیلان، مازندران، استرآباد و نیز باکو و دربند به روسیه است؛^۶ ب- عهدنامه تقسیم ولایات شمال غرب ایران با عثمانی در ۲ شوال ۱۱۳۶/هـ/ ۲۴ ژوئن ۱۷۲۴.^۷ به‌هررو، ظهور نادرشاه (حک. ۱۱۴۸-۱۱۶۰/هـ/ ۱۷۳۶-۱۷۴۷ م) که موفق به اخراج سپاهیان عثمانی از ایران و سرکوب افغان‌ها شده بود، به توسعه‌طلبی روسیه در قلمرو ایران موقتاً پایان داد که بازتاب آن را در معاهده ایران و روسیه (شعبان ۱۳۴۴/هـ/ فوریه ۱۷۳۲) به‌وضوح می‌توان دید. بنابراین معاهده، روسیه از اراضی ایرانی که قبلاً به چنگ آورده بود، دست برداشت.^۸

با وجود سیاست جدید روسیه، تحولات پیش‌گفته دو واقعیت را آشکار ساخته بود: یکی توجه به مطامع و سیاست روسیه در حوزه دریای مازندران؛ دیگری ضرورت ایجاد و تقویت بحریه ایرانی در دریای مازندران که شناورهای بزرگ آن در انحصار بازرگانان و دولت روسیه بود برای حفظ حاکمیت ایران بر قفقاز. از این رو هنگامی که دولت روسیه درخواست نادر را برای استفاده از شناورهای روسی جهت حمل آذوقه برای سپاه ایران که سرگرم سرکوب شورشیان داغستان بودند، رد کرد، تأسیس بحریه ایرانی در دریای مازندران وجهه همت نادر قرار گرفت. وی برای رسیدن به این هدف راهبردی، در ۱۱۵۵/هـ/ ۱۷۴۲ م کاپیتان

۶. برای اطلاع از خلاصه مفاد این معاهده، نک: استرآبادی، ۱۶-۱۷؛ برای معرفی نامه اسماعیل بیگ و متن معاهده رک. مکتوب طهماسب دوم به پتر اول، ۲۵ آگوست ۱۷۲۳ و قرارداد سفیر تهماسب دوم با روسیه، ۱۲ سپتامبر ۱۲۷۳، هر دو در اسنادی از روابط ایران و روسیه، ش ۲۵ و ۲۶، ۹۵-۱۰۷؛ برای بازتاب سفر اسماعیل بیگ و متن معاهده در مطبوعات وقت به ترتیب نک.

“[The Advices from] Petersburg, Oct. 22,” and “The Treaty Alliance concluded at Petersburg, Sept. the 12, 1723, O. S. between the Emperor of Muscovy, and the King of Persia, by his Ambassador Ismael beg,” *Daily Journal*, in order Nov. 13; Dec. 26 and 29, 1723.

7. Russo-Ottoman Treaty for the Partition of Persia's Northwest Provinces, 13/24 June 1724 in Hurewitz, vol. i, 42-45.

8. Treaty of Peace, Amity and Commerce: Persia and Russia, 21 Jan./1 Feb. 1732 in Hurewitz, 45-47.

جان التون،^۹ از کارکنان شرکت بریتانیایی موسوم به کمپانی مسکوی که خود در ۱۱۵۳ هـ / ۱۷۴۰ م ساخت کشتی و قایق را برای دریانوردی در دریای مازندران به مسؤلان کمپانی مذکور پیشنهاد کرده بود،^{۱۰} به خدمت گرفت. این اقدام در حالی خشم و مخالفت روسیه را برانگیخت که ناامنی ناشی از حملات شورشیان داغستان به نواحی مرزی روسیه در شمال قفقاز، پترزبورگ را از سال ۱۱۵۰ هـ / ۱۷۳۷ م وادار به اعزام ده‌هزار سرباز سوار و پیاده به مناطق مذکور کرده بود.^{۱۱} به هر رو، طرح ایجاد بحریه ایرانی در دریای مازندران به زودی تحت الشعاع مرگ نادر (۱۱۶۰ هـ / ۱۷۴۷ م) قرار گرفت و پس از او ادامه نیافت.^{۱۲} این در حالی بود که در عصر زندیه نیز روسیه تمایل خود را به توسعه‌طلبی در قلمرو ایران نشان می‌داد.^{۱۳}

با ظهور قاجاریه، مناسبات ایران و روسیه در حالی به بروز دو دوره جنگ در قفقاز انجامید که توسل روسیه به نیروی نظامی، از پیش راه گسترش ارضی این کشور را از دریای بالتیک تا اقیانوس آرام هموار کرده بود. اقدامات نظامی پرهزینه اما بی‌ثمر قاجاریه در جلوگیری از پیشروی روسیه در خاک ایران که نتیجه‌ای بهتر از انعقاد معاهدات گلستان (۱۲۲۸ هـ / ۱۸۱۳ م) و ترکمنچای (۱۲۴۳ هـ / ۱۸۲۸ م) داشتند، به جداکردن قفقاز از ایران و نیز انحصار بحریه نظامی در دریای مازندران به روسیه و استیلای بیشتر آن کشور و در نتیجه آسیب‌پذیری افزون‌تر ایران از آن جانب انجامید، چنان‌که پیش از پایان سده نوزدهم میلادی

9. Captain John Elton

10. "Copy of a Paper given to Mr. Finch at Petersburg by Captain Elton, Relating to Opening a Trade through Russia to Persia", *Gentleman's Magazine*, 12(1742), 24-25.

11. "Foreign Affairs," *Weekly Miscellany*, April 1, 1737.

12. Lockhart, *Nadir*, 204-205, 187-290; Avery, "Nâdir Shâh", and Graves, "Iranian Relations", both in *Cambridge History of Iran*, vol. 7, in order 42 and 352; Floor, 53;

برای بازتاب عدم تداوم اقدامات نادر شاه در منابع فارسی، نک. شیرازی، ۱۸.

۱۳. به عنوان نمونه، رک. ساروی، ۱۱۶.

بخش گسترده دیگری از خاک ایران در شرق دریای مازندران نیز به‌گونه‌ای صلح‌آمیز به تصرف تزارها درآمد (معاهده آخال در ۱۲۹۸/۵/۱۸۸۱م). در واقع تا انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷م در روسیه، تهران هرگز از تهدیدات و مداخلات روزافزون سنت‌پترزبورگ در امور داخلی ایران در امان نبود.

سیاست روسیه تزاری در قبال ایران از دو منظر قابل بررسی است: نخست به‌مثابه موضوعی بین دو کشور؛ دوم از زاویه‌ای بازتر و به عنوان بخشی از یک کلان‌طرح راهبردی روسیه برای آسیا. پیش از ارزیابی نظریه‌ها در مورد توسعه قلمرو روسیه در آسیا و پیشروی آن دولت در خاک ایران، شاید ذکر این نکته بجا باشد که خصوصیات جغرافیای طبیعی و قومی در امپراتوریِ رو به گسترش روسیه، فرصتی برای دولت آن کشور باقی نمی‌گذاشت که به مرزهایی قابل تعریف و در نتیجه قابل دفاع دست یابد. این شرایط ضمن تشویق سیاست تداوم حمله به مناطق مجاور، به‌نوبه خود بیم از ضربه‌پذیری و میل به دستیابی به امنیت از طریق لشکرکشی را در میان دولتمردان روسیه دامن می‌زد^{۱۴} و در واقع فرهنگ راهبرد در روسیه را اساساً نظامی می‌کرد.^{۱۵}

۱۴. ژنرال آلکسی کروپاتکین (وزیر جنگ روسیه در سال‌های ۱۸۹۸-۱۹۰۴م) در تشریح علل ناکامی و کاستی‌های ساختاری ارتش روسیه در جنگ با ژاپن، شرحی مفصل از تاریخ نظامی و توسعه ارضی روسیه را ذکر کرده که شرح جنگ‌های روسیه با ایران را نیز شامل می‌شود (جلد نخستین). موارد فوق از مجموع اظهارات کروپاتکین به خوبی مستفاد می‌شود. هم‌چنین گزارش کروپاتکین حاکی از آن است که ارتش روسیه بر رغم همه تلاش‌ها برای اصلاحات و روزآمد کردن آن در سده ۱۹م، تا بدانجای گرفتار مشکلات روزمره بود که جنگ با ژاپن ناکارآمدی ساختاری ماشین جنگی آن کشور را به اثبات رساند رک. Kuropatkin ؛ برای آشنایی با ساختار ارتش در روسیه تزاری و نیز نتایج اصلاحات و مدرن سازی آن، رک.

Steinberg; also Van der Oye and B.W. Manning (eds.), *Reforming*; Kagan; Duffy.

15. Ermarth, 4 (available at www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/russia.pdf);

از دیدگاه برخی از پژوهشگران توسعه‌طلبی نظامی و حتی کشورداری در روسیه تزاری ملهم از الگوی فاتحین مغول بود که در ۱۲۳۷-۱۴۸۰م بر سرزمین اصلی روس‌ها حکم رانده بودند. پس از سقوط تزاریسیم نیز این الگو در دستور کار شوروی قرار داشت، به عنوان نمونه نک.

از دیدگاه سیاسی، گسترش قلمرو و نفوذ روسیه در آسیا ویژگی‌های خود را داشت. آ. لوبانوف-روستوسکی، دیپلمات روسیه تزاری، در تشریح ماهیت توسعه قلمرو تزارها در آسیا، بخشی از آن را گسترش «طبیعی» و قسمتی دیگر را «امپریالیستی» معرفی کرده است. به گفته او، تصرف نظامی دشت‌های قبایلی اوراسیا که به دولتی تعلق نداشت، مانند سیبری، مناطق شمالی آسیای مرکزی و مناطق داخلی آسیا که به وسیله رشته‌کوه‌های مرتفع از مناطق جنوبی آسیا جدا می‌شدند، گسترشی «طبیعی» بود، در حالی که توسعه‌طلبی نظامی روسیه برای استثمار و رقابت استعماری با قدرت‌های غربی، مانند کوشش برای پیشروی در افغانستان، گسترشی «امپریالیستی» به‌شمار می‌رفت. همو می‌افزاید که فرایند گسترش «طبیعی» روسیه، با وجود وسعت، بدون برخورد با مقاومت جدی و سازماندهی‌شده مردم بومی و نیز بدون جلب توجه سایر دولت‌ها تحقق یافته بود، در حالی که توسعه «امپریالیستی» روسیه با واکنش قدرت‌های استعماری غربی و نیز ژاپن مواجه گردید.^{۱۶}

نظریه‌ها درباره راهبرد روسیه در گسترش سریع و پیوسته قلمرو خود در آسیا پرشمار نیست. در این زمینه، سه نظریه اصلی طرفداران بیشتری داشته است: ۱. اهداف بلندپروازانه مذکور در وصیت‌نامه منسوب به تزار، پتر کبیر (حک. ۱۰۹۳-۱۱۳۷ه/۱۶۸۲-۱۷۲۵م)؛ ۲. دستیابی به آب‌های گرم اقیانوس هند و اقیانوس آرام؛^{۱۷} ۳. راهبرد منتج از بررسی فرایند گسترش روسیه. مورد اخیر ترکیبی از نظریه‌های دسترسی به آب‌های گرم، هارت لند مک

Cohen, 29ff.

شاید ذکر این نکته به جا باشد که با وجود جایگاه نظامیان در شاکله نظام سیاسی و تصمیم‌گیری در روسیه تزاری، این کشور با مشکل کودتا مواجه نبوده است، برای بحثی جالب در این باره، رک. Taylor.

16. Lobanov-Rostovsky, 28-47.

۱۷. توجه به این نکته ضرورت دارد که موضوع تلاش روسیه برای دسترسی به مدیترانه در مقوله راهبرد آن کشور در قبال اروپا قرار می‌گیرد.

کیندر^{۱۸} و دستیابی به مواد اولیه است. هریک از نظریه‌های مذکور که لاجرم ایران را نیز هدف دست‌اندازی روسیه می‌کرد، کاستی‌های خاصی دارد.^{۱۹} از سوی دیگر، در پرتو چنین نظریه‌هایی، موضوع مشی روسیه و بریتانیا در قبال ایران در عصر قاجاریه، اقدامات بریتانیا برای حفظ مستملکات خود در آسیا (از جمله هندوستان) از دست‌اندازی روسیه و نیز ممانعت لندن از پیشروی روسیه در اروپا و حوزه مدیترانه جایگاهی ویژه را در ادبیات مربوط به مناسبات و رقابت این دو قدرت داشته است. در مورد وصیت‌نامه پتر کبیر که نویسندگان متأخر ایرانی با استناد به متن آن در تاریخ ایران اثر سر پرسی سایکس برای تشریح انگیزه‌ها و علل سیاست‌ها و دست‌اندازی‌های روسیه به ایران کوشیده‌اند، به این اشاره بسنده می‌شود که تقریباً یک سده پس از مرگ پتر کبیر، متن آن نخستین بار در فرانسه منتشر گردید (۱۸۱۲م). اصالت این وصیت‌نامه سال‌هاست به‌عنوان یکی از برساخته‌های عصر ناپلئون زیر سؤال رفته و اعتبار خود را از دست داده است.^{۲۰} افزون بر این، به دلالت ل. لاکهارت، بند مربوط به ایران این وصیت‌نامه (بند ش. ۹) در تاریخ ایران، اثر سر پرسی سایکس (یعنی مستند نویسندگان ایرانی^{۲۱}) نیز دستخوش تغییراتی شده و با متن اصلی

۱۸. سر هالفورد مک کیندر (۱۸۶۱-۱۹۴۷م) در ۱۹۰۴م با ارائه نظریه منطقه محوری (Pivot Area) یا قلب اوراسیا- هارت لند (Heart-Land) -توجه استراتژیست‌ها را به اهمیت راهبردی سرزمین‌های بین اقیانوس منجمد شمالی تا کوه‌های هیمالیا در جنوب و از نواحی غرب سیبری، مغولستان و چین در شرق تا دره رود ولگا در غرب را جلب کرد. بنابراین نظریه منطقه گسترده مذکور به سبب دوری از آب‌های آزاد از دسترس قدرت‌های دریایی، از جمله بریتانیا، دور بود. این منطقه با گسترش خطوط آهن و توسعه اقتصادی در روسیه می‌توانست خاستگاه یک قدرت زمینی شود که تفوق خود را بر قدرت‌های دریایی به‌ویژه بریتانیا که در حال مواجهه تدریجی با رقابت قدرت‌های دریایی ایالات متحده آمریکا، آلمان و ژاپن بود، تحمیل کند، رک.

Mackinder, 431 ff.

19. Marshall, 2-3.

۲۰. در مورد عدم اعتبار وصیت‌نامه منسوب به پتر که از مجعولات عصر ناپلئون بود، به عنوان نمونه رک.

Subtelny, 663-678; also see Resis, 681-693.

P. Mojtahed-Zadeh, 18-19, 220 (notes 14 and 15).

۲۱. به عنوان نمونه رک.

تفاوت دارد.^{۲۲}

جنگ روانی و تبلیغات فرانسه در عصر ناپلئون درباره بلندپروازی‌های ارضی روسیه به وصیت‌نامه منسوب به پتر کبیر محدود نمی‌شد. پیشتر در ۱۸۰۱م جزوه‌ای با عنوان «نقشه لشکرکشی زمینی به هندوستان»^{۲۳} در پاریس منتشر شد که بر وجود طرح دیگری برای پیشروی نظامی روسیه در ایران دلالت دارد. به گفته نویسنده این جزوه، دولت‌های فرانسه، اتریش و روسیه بر سر عملیات مشترک برضد هندوستان به توافق رسیده بودند. بنابر این طرح که آن را تزار، پل اول، پیشنهاد کرده بود، استرآباد به عنوان محل الحاق ۳۵۰۰۰ سرباز روسی که از طریق آستاراخان و دریای مازندران اعزام می‌گشت، و ۳۵۰۰۰ سرباز فرانسه که از طریق رود دانوب به ساحل دریای سیاه انتقال پیدا می‌کردند، در نظر گرفته شده بود. نیز در این نقشه پیش‌بینی شده بود که استرآباد محل ستاد فرماندهی این عملیات مشترک گردد که قرار بود از مسیر هرات و قندهار، به هندوستان هجوم برند.^{۲۴} اگرچه پژوهشگران در اصالت این طرح نیز همانند وصیت‌نامه منسوب به پتر کبیر تردید کرده‌اند،^{۲۵} اما جلوگیری از تهدیدات احتمالی روسیه از جانب استرآباد، به‌ویژه پس از اشغال جزیره ایرانی آشوراده خیلی زود استرآباد را به برج دیده بانی بریتانیا در شمال شرق ایران تبدیل کرد. با موافقت لندن، نمایندگی سیاسی بریتانیا در تهران ابتدا با اعزام گهگاهی یکی از وابسته‌های خود به استرآباد، سپس از ۱۸۵۱م با استقرار مأموری مخفی در آن شهر و سرانجام در همان دهه با انتصاب رسمی یک اخبارنویس در استرآباد، تحرکات روسیه در دریای مازندران و مناطق

22. Lockhart, "The Political Testament", 438-441.

23. "Plan of an Expedition to India by Land"

24. *Morning Post*, April 8, 1801; *Observer*, Apr 26, 1801;

این اظهارات را دیگر نویسندگان بریتانیایی تکرار کرده‌اند، به عنوان نمونه رک.

Eastwick, vol. ii, p.36; Baker, 337; Edwards, 32 ff.; Curzon, vol. ii, 187-188.

۲۵. برای بررسی نقادانه طرح منسوب به تزار پل اول، نک.

Van der Oye, "Paul's great game", 143-152; Strong, 114-126; Shneidman, 167-175.

ماوراء مازندران را تحت نظر گرفت.^{۲۶}

درباره پیشروی روسیه از جانب ایران و آسیای مرکزی به سوی جنوب، چنان‌که اشاره شد، دو هدف مورد تأکید قرار گرفته است: دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس و نیز هندوستان. این اهداف به معنای رقابت و به‌مخاطره انداختن منافع بریتانیا بود که از چند سده پیشتر در هر دو حضور سنتی داشت. لندن نیز به نوبه خود با توسل به نیروی نظامی و از طریق هجوم به ایران در جریان دو جنگ هرات و نیز با مداخلات روزافزون در امور داخلی ایران، برای جلوگیری از نفوذ روسیه می‌کوشید. اگرچه در اسناد بریتانیایی و ادبیات سده نوزدهم میلادی، موضوع تهدیدات روسیه که از جانب ایران متوجه اهداف فوق بود، مکرر مورد بحث و تأکید قرار گرفته، این اظهارات بیش از آن که مبتنی بر اسناد روسی باشد، بر مطالعه و تحلیل نظامی - سیاسی نویسندگان از مشی سنت پترزبورگ متکی بوده است؛ به سخن دیگر، در هیچ یک از منابع مذکور، استناد جدیدی به یک طرح نظامی روسی به چشم نمی‌خورد. با وجود این، فقدان مستندی برای طرح / طرح‌های روسیه برای هجوم به ایران لزوماً بدین معنا نیست که سنت پترزبورگ فاقد برنامه یا مطامع ارضی در این زمینه بوده باشد.^{۲۷}

۲۶. کاظم بیکی، «کنسولگری بریتانیا»، ۷۴-۸۰.

۲۷. این گونه اطلاعات مهم که در مقوله راهبردها محسوب می‌شد، به دلایل قابل فهم نمی‌توانست غیر سری بوده و در اختیار دیگران قرار گیرد؛ آگاهی‌های موجود در مورد مناسبات دو کشور پس از انعقاد عهدنامه ترکمنچای بر مداخلات و فشار سیاسی - نظامی فزاینده روسیه در حوزه دریای مازندران بر ایران دلالت دارد. یکی از پاسخ‌های عملی تهران به این تهدیدها خودداری از ایجاد و ارتقای راه‌های مواصلاتی ولایات ساحلی دریای مازندران با فلات ایران بود، نک: کاظم بیکی، «مردم، علما و توسعه در عصر قاجاریه»، ۹۴-۹۷؛ گفتنی است که تهران، افزون بر مواجهه با مداخلات عینی سنت پترزبورگ، از اخبار مربوط به مباحث نظری در محافل نظامی روسیه راجع به بهره‌گیری از دریای مازندران برای پیشروی در خاک ایران نیز چندان بی اطلاع نبود، به‌عنوان نمونه، رک. «گزارش کلنل زالاطاروف در مجمع سالیانه ارتش روسیه»، پیوست علاءالملک به وزارت امور خارجه، ۹ جمادی الآخر ۱۳۰۶ ه. در گزارش‌های سیاسی علاءالملک، ۵۷ به بعد.

به هر رو، برای طرح‌های نظامی روسیه در ایران، افزون بر اظهارات متکی بر استنتاج از مشی و اقدامات توسعه‌طلبانه سنت پترزبورگ در حوزه دریای مازندران و آسیای مرکزی، سندی سری نیز وجود دارد که در سال ۱۹۰۹م به دست مأموران بخش اطلاعات ارتش هندوستان در ایران افتاد (نک. ادامه مقاله). با توجه به تاریخ دستیابی عوامل اطلاعاتی بریتانیا به این سند که تاکنون مغفول مانده، گزاف نیست اگر ادعا شود که هم‌گرایی و مصالحه بریتانیا با روسیه در چارچوب توافقنامه ۱۹۰۷م در مورد مناطق مطمح نظر طرفین از جمله ایران، نتوانسته بود موجب رفع سوءظن تاریخی بین این دو قدرت رقیب و مانع از ادامه فعالیت اطلاعاتی آنها برضد یکدیگر شود؛ دیگر آن که دستیابی مأموران بریتانیایی به سند مورد بحث، با دلالت بر وجه کمتر شناخته‌شده رقابت طرفین در ایران، یعنی اقدامات اطلاعاتی، نشان می‌دهد که چگونه این کشور عرصه فعالیت‌های عوامل استخباراتی آن قدرت‌ها نیز گشته بود. افزون آن که آگاهی لندن از این سند مانع از نزدیکی بیشتر، اتحاد و نبرد مشترک بریتانیا و روسیه برضد قدرت‌های مرکزی در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۷م) نشد. با وجود این، دور نیست که اطلاع از چنین طرح‌هایی در بستر سوابق رقابت‌های گذشته، یکی از اسباب پیش‌دستی لندن درمداخله نظامی در روسیه پس از سقوط تزارسم بوده باشد.

پیش از ورود به محتوای سند، توضیح چند نکته به‌جا می‌نماید؛ نخست آن که گزارشگر این سند، کلنل ویلفرد مالسون^{۲۸}، معاون وقت بخش اطلاعات در سرفرماندهی ارتش هندوستان است^{۲۹} که مدتی بعد با درجه نظامی ژنرال به ریاست همان بخش گمارده

28. Sir Wilfrid Malleon

۲۹. برای آشنایی با تشکیلات اطلاعات ارتش هندوستان، بخش ایران آن و طبقه‌بندی اسناد ذی ربط، رک.

British Intelligence and Policy on Persia (Iran), c. 1900-1949: India Office Political and Secret Files and Confidential Print.

شد؛^{۳۰} دیگر آن که گرچه این طرح در ۱۹۰۹م به چنگ عوامل اطلاعاتی بریتانیا در تهران افتاد، زمان طراحی آن معلوم نیست. با وجود این، اشارات مفیدی در آن به چشم می‌خورد که برای تخمین تاریخ طراحی آن کافی می‌نماید، از آن جمله است: ذکر نام نظرعلی خان از خوانین لر، نیز راه‌های ارابه‌رو (شوسه) قم، گیلان (انزلی-قزوین) و نیز قزوین-همدان به‌عنوان محورهای عملیات نیروهای روسی. این نظرعلی خان ملقب به امیر اشرف (د ۱۳۰۷ش) و از خوانین طایفه آمرایی (لُر) بود که در دو دهه پایانی عصر قاجاریه با تکیه بر نیروی عشایری خود در تحولات محلی لرستان و مناطق مجاور نقشی چشمگیر داشت. بنا بر شواهد موجود، افزایش اعتبار و اقتدار نظرعلی خان در لرستان به نخستین دهه سده بیستم میلادی و حمایت او از داماد جاه‌طلبش، ابوالفتح میرزا سالارالدوله، والی بروجرد و لرستان بازمی‌گردد که با ماجراجویی نظامی خود، یکی از مشکلات دولت مرکزی ایران در عصر مشروطیت شده بود (۱۳۲۵ه/ ۱۹۰۷م).^{۳۱} نکته شایان توجه در طرح روسیه در مورد لرها، اشاره به نظرعلی خان به عنوان رئیس طایفه سور-آمرایی است. دو طایفه آمرائی و سوری از تیره‌های شاخه طرهان لر هستند که در بخش مرکزی شهرستان کوه‌دشت کنونی (طرهان و رومشکان) ساکن بودند. ذکر اسامی این دو طایفه در ترکیبی به شکل «سور-آمرایی» بر غلبه یکی از این دو بر دیگری (علی القاعده طایفه آمرایی) یا ائتلاف آنها با هم دلالت

۳۰. ژنرال مالسون بر اساس توانایی‌هایی که در سازماندهی امور اطلاعاتی و شناختی که از منطقه داشت، پس از فروپاشی تزاریسیم و در جریان مداخله بریتانیا و متحدانش در روسیه، به فرماندهی یک نیروی بریتانیایی منصوب گردید که از هندوستان و مسیر خراسان به ماوراء‌الزندان فرستاده شد. ژنرال مالسون مأموریت داشت که در آنجا بر ضد بلشویک‌ها و نیز نیروهای بومی استقلال طلب وارد عمل شود (۱۹۱۸م)، رک. کاظم بیکی، دریای مازندران، ۱۰۵ به بعد.

31. Churchill, Summary, May. 21. to June 15, 1907, encl. 2 in No. 1, in Spring-Rice to Sir Edward Grey, 21 June 1907, *Iran Political Diaries*, vol. 3, 319; "Serious Disorders In Persia," *Times*, May 27, 1907;

هم‌چنین نک. روستایی، ۷۳-۷۵؛ حمایت نظر علیخان به عنوان یک قدرت محلی در لرستان از اقدامات سالارالدوله در سال‌های بعد هم ادامه داشت، رک. در تکاپوی تاج و تخت، فهرست اعلام.

دارد. چنین به نظر می‌رسد که تحول مذکور باید به همان دوره اقتدار نظرعلی خان امرایی در سده بیستم میلادی بازگردد. از همین رو، دور می‌نماید که طرح مورد بحث متعلق به سده نوزدهم میلادی باشد.

آن چه برای تاریخ‌گذاری نقشه نظامی روسیه بیشتر راه‌گشا به نظر می‌رسد مصرحات آن درباره راه‌های ارابه رو پیش گفته است. در میان آنها، راه ارابه‌رو تهران- قم در عصر ناصری به وسیله علی اصغر خان امین‌السلطان احداث شده بود (۱۳۰۱/هـ / ۱۸۸۳ م).^{۳۲} ساخت راه‌های دیگر مدت‌ها پس از آن و هنگامی عملی شد که امتیاز راه گیلان (انزلی- قزوین) در ۱۳۱۰ هـ / ۱۸۹۳ به شرکت روسی «بیمه حمل و نقل در ایران»^{۳۳} اعطا گردید. کار احداث این راه به سبب مواجهه با برخی از موانع، به ویژه کمبود منابع مالی خیلی زود متوقف شد، اما به زودی با عزم و سرمایه‌گذاری دولت روسیه که از آن پس بزرگ‌ترین سهامدار شرکت مذکور گردید، این پروژه مجدداً فعال شد و کار ساخت آن به پایان رسید. بهره‌برداری از این راه در ۱۳۱۷ هـ / ۱۸۹۹ م رسماً آغاز شد.^{۳۴} از آنجا که در همان امتیازنامه شرکت بیمه حمل و نقل در ایران، حق خرید راه قزوین- تهران (ایجاد این راه که بخشی از پروژه بزرگراه تهران- تبریز- جلفا بود، در ۱۲۹۶ هـ آغاز گردیده و در ۱۲۹۷/هـ / ۱۸۸۰ م به پایان رسیده بود)^{۳۵} و احداث راهی شوسه در همان مسیر و نیز راه قزوین- همدان پیش‌بینی شده بود، شرکت مذکور امتیاز دو راه اخیر را نیز در ۱۳۱۳/هـ / ۱۸۹۸ به دست آورد.^{۳۶} با وجود این، ساخت راه قزوین- همدان با

۳۲. اعتمادالسلطنه، ۱۱۱-۱۱۲.

۳۳. برای چگونگی تشکیل این شرکت و فعالیت آن، رک. لیتن، ۹۹-۱۰۲.

۳۴. برای فرآیند اعطای امتیاز و ساخت راه گیلان با مداخله دولت روسیه و واکنش اهالی گیلان به افتتاح این راه، رک. کاظم بیکی، «مردم، علما و توسعه در عصر قاجاریه»، ۱۰۶ به بعد.

۳۵. اعتمادالسلطنه، ۱۰۹.

36. Picot, Summary, November 23 to December 23, 1896, encl. in Durand to Salisbury, 23 Dec. 1896, *Iran Political Diaries*, vol. 1, 340;

برای متن امتیاز نامه این راه‌ها، رک. تیموری، ۳۵۵؛ لیتن، ۱۰۲؛ جمالزاده، ۱۰۱.

تأخیر آغاز شد. در واقع تا ذی‌قعدة ۱۳۲۱ هـ/ژانویه ۱۹۰۴ م از سوی شرکت بیمه حمل و نقل در ایران اقدامی فراتر از مرحله مطالعاتی این پروژه به عمل نیامده بود.^{۳۷} دور نیست که اشتغال روسیه به جنگ با ژاپن (۱۳۲۲-۱۳۲۳ هـ/۱۹۰۴-۱۹۰۵ م) موقتا مانع از اهتمام آن دولت به احداث هرچه سریع‌تر راه قزوین-همدان شده باشد. مؤید این نکته گزارش‌های حاصل از مشاهدات میدانی دیپلمات‌های بریتانیایی در مورد پیشرفت ساخت آن است که بر کار پراکنده و غیرمستمر روس‌ها در تکمیل این راه در ۱۹۰۵-۱۹۰۶ م دلالت دارد. با وجود این، پیشرفت این طرح تا آنجا بود که با جدیت بیشتر می‌توانست تا پایان ۱۹۰۶ م خاتمه یابد.^{۳۸} به هر حال، ساخت راه مذکور در ۱۳۲۵ هـ/۱۹۰۷ م به پایان رسید.^{۳۹} بر این اساس، گزاف نیست اگر طراحی نقشه نظامی مورد بحث مقارن اتمام ساخت راه قزوین-همدان (۱۹۰۷ م) و احتمالا پیش از توافقنامه ۳۱ آگوست ۱۹۰۷ م روسیه-بریتانیا تاریخ‌گذاری شود. از سوی دیگر، طراحی این نقشه پس از خاتمه جنگ ناموفق روسیه با ژاپن، می‌تواند نشانه‌ای برای تصمیم سنت پترزبورگ برای اقدامی تلافی‌جویانه علیه بریتانیا باشد که در جنگ مذکور متحد ژاپن بود.^{۴۰} افزون بر آن که جایگاه راه‌های مذکور در این طرح

37. Memorandum of information received during the month of January 1904, regarding affairs on and beyond the North-West Frontier of India, in *Iran Political Diaries*, vol. 2, 296.

38. Spring-Rice to Grey, 28 Feb. 1907, in *British Documents on Foreign Affairs*, Part I, Series B, vol. 13, 439.

با وجود ناتمام بودن این راه، در همان زمان بهره برداری از آن آغاز شده بود که این با افزایش دادن بازرگانی ولایات غرب ایران با روسیه، موجب کاهش تجارت آن نواحی با عراق گشته بود، نک.

H. Gough, Report on the Trade of the Provinces of Kermanshah, Hamadan, Kurdistan and Malayer for the year ended March 20, 1906, p.1, in FO, *Annual Series of Trade Reports*, Cd. 2682, 1906.

۳۹. لیتن، ۱۰۲.

۴۰. برای همگرایی و اتحاد بریتانیا-ژاپن، رک. به عنوان نمونه به مجموعه مقالات در

O'Brien (ed.), *The Anglo-Japanese Alliance*

به ویژه مقالات شماره ۳-۵ با مشخصات زیر:

نیز به نوبه خود می‌تواند بُعد نظامی انگیزه سنت پترزبورگ برای خرید سهام شرکت بیمه حمل و نقل در ایران و کوشش برای احداث این راه‌ها را آشکار سازد، وجهی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این بُعد نظامی به‌زودی در خلال جنگ جهانی اول آشکار گردید (نک. ادامه مقاله).

درباره محتوای این سند نظامی که تنها بخشی از طرحی بزرگ‌تر است، آن‌چه بیش از هر چیز به چشم می‌خورد جایگاه خلیج فارس در اهداف راهبردی روسی‌هاست. چیزی که در آن دیده نمی‌شود، پیش‌بینی مقاومت دولت ایران و نیز واکنش احتمالی و مستقیم بریتانیا در برابر پیشروی نظامی روسیه به سوی خلیج فارس است، هرچند بریتانیا دارای بیشترین منافع اقتصادی و راهبردی در جنوب ایران و خلیج فارس بود. از سوی دیگر، از دیدگاه طراحان آن، ایستادگی طوایف لر می‌توانست تنها مانع برای دستیابی روسیه به هدف خود باشد. این به‌نوبه خود جایگاه سنتی قبایل را در دفاع از کشور آشکارتر می‌سازد. افزون بر این، توجه به عوامل جغرافیایی و طبیعی ایران، کویر و ارتفاعات، به عنوان عوامل تسهیل‌کننده یا بازدارنده از دیگر نکات جالب توجه این طرح است.

از جانب دیگر، باید به دیدگاه‌های بخش اطلاعات ارتش هندوستان در حواشی طرح اشاره کرد که در ترجمه حاضر از هامش به‌پاورقی انتقال یافته است. این اظهارات به نوبه خود محکی است برای ارزیابی صحت و سقم آگاهی‌های طراحان نظامی روسیه و نیز امکان اجرای طرح. درباره این نقطه‌نظرها باید به اظهارات کلنل مالسون در باره مسکوت ماندن نیات روسیه در موضوع دستیابی به سیستان و نیز راه‌آهن چاه بهار، هر دو در جوار مستعمره هندوستان، اشاره کرد که از دهه‌ها قبل یکی از دل‌نگرانی‌های بریتانیا شده بود. احداث خط آهن سراسری در ایران در سده نوزدهم و بیستم به سبب نتایج اقتصادی، سیاسی و نظامی بالفعل و بالقوه، یکی از عرصه‌هایی گردید که با همه منافع و ملاحظات

راهبردی که روسیه و بریتانیا در ایران و مناطق هم‌جوار آن برای خود قائل بودند، ارتباط مستقیم داشت. به همین سبب، سیاست‌های این دو قدرت مانع از احداث آن شده بود، به‌ویژه آن که فقدان منابع مالی و فناوری در داخل، اجرای چنین پروژه‌ای را افزون بر اعطای امتیاز و سرمایه‌گذاری بیگانه، به موافقت آن دو دولت نیز وابسته می‌کرد.^{۴۱} پیشتر دولت روسیه در ربیع الاول ۱۳۰۸ هـ/نوامبر ۱۸۹۰ م از ناصرالدین شاه تعهد کتبی گرفته بود که تا ده سال، یعنی تا ۱۳۱۸ هـ/۱۸۹۹ م، هیچ خط آهنی در ایران تأسیس نشود. قبل از سرآمدن موعد مذکور نیز پترزبورگ در ۱۳۱۷ هـ/۱۸۹۹ م، در ازای پرداخت وامی به دولت مظفرالدین شاه، احداث خط آهن در ایران را برای ده سال، یعنی تا ۱۳۲۸ هـ/۱۹۱۰ م، مشروط به جلب موافقت قبلی سنت پترزبورگ کرد. بدین ترتیب اشاره مالسون به نبود اطلاعات در مورد خط آهن چاه بهار در طرح نظامی روسیه که منابع بریتانیایی در ۱۹۰۹- یعنی در آستانه خاتمه مدت تعهد اخیر دولت ایران به سنت پترزبورگ - به چنگ آورده بودند، بر حساسیت لندن به موضوع خط آهن سراسری در ایران دلالت دارد. این حساسیت چندان بی اساس نبود، زیرا از یک سال پیش از پایان مدت تعهد ایران، روسیه به پشتوانه شناسایی منطقه نفوذ خود در ایران از سوی بریتانیا (توافقنامه ۱۹۰۷)، برای مقابله با سیاست آلمان، یک بار دیگر موضوع احداث خط آهن سراسری در ایران را پی‌گیر شده بود (۱۳۲۶ هـ/۱۹۰۸ م). با وجود توافق کلی سنت پترزبورگ و لندن در لزوم احداث خط آهن در ایران، روسیه بر امتداد خط سراسری شمال- جنوب، از تهران به سواحل خلیج فارس و دریای عمان، به‌ویژه چاه بهار و مرز هندوستان اصرار داشت. از آنجا که این مسیر مقبول بریتانیا نبود، تلاش اخیر روسیه هم تا آغاز جنگ جهانی اول بی ثمر ماند.^{۴۲}

۴۱. برای مشروح کارشکنی‌های بریتانیا و روسیه در راه احداث خط آهن در ایران تا ۱۹۱۱، رک.

Kazemzadeh, 355-373; Galbraith, 480-505; idem, 248-262.

۴۲. کاظم بیکی، «بریتانیا و خطوط آهن ایران»، ۱۲-۱۸؛

Spring, 60-82; Nazem, 131-139;

برای دیدگاه لندن در مورد مسیرها و نوع مطلوب خطوط آهن در ایران و منطقه، رک. کاظم بیکی، همان، ۱۹-۳۹.

اگرچه طرحی را که عوامل اطلاعاتی بریتانیا به آن دست یافتند، روسیه هیچ‌گاه به اجرا نگذاشت، اما با مطالعه اقدامات و عملیات روسیه در ایران در سال‌های بعد، به‌ویژه در خلال جنگ جهانی اول می‌توان به نکات جالبی پی برد که به معنای اجرای دست‌کم بخشی از همان طرح، البته در چارچوب توافق روسیه- بریتانیا در تقسیم ایران به مناطق نفوذ آنهاست. توضیح مختصر آن که روسیه به پشتوانه توافقنامه ۱۹۰۷ م خود با بریتانیا، هنگامی که تقابل مشروطه‌خواهان با محمدعلی شاه به مراحل نهایی، و پیشروی مشروطه‌خواهان به تهران نزدیک می‌شد، به دستاویز غیر موجه حفظ جان اتباع خارجی، افزون بر نیرویی نظامی که پیشتر از قفقاز به تبریز اعزام کرده بود، نیروی دیگری را با استفاده از راه گیلان در قزوین مستقر کرد (۱۳۲۷ هـ/ ۱۹۰۹ م).^{۴۳} در پی موفقیت مشروطه‌خواهان و عزل محمدعلی شاه، روسیه ابتدا شمار نیروی اخیر را کاهش داد، اما هنگامی که مجلس و دولت ایران اولتیماتوم روسیه در مورد اقدامات مورگان، مدیرکل آمریکایی خزانه‌داری ایران، را رد کردند، سنت پترزبورگ نظامیان خود در ایران را افزایش داد. این بار حدود ۴۰۰۰ نیروی جدید از راه گیلان به اردوگاه سربازان روسیه در قزوین ملحق شدند تا به سوی تهران پیشروی کنند. برای جلوگیری از نتایج درگیری ملیون ایرانی با سربازان روسی، ناصرالملک، نایب السلطنه احمدشاه خردسال، به برکناری هیأت دولت و انحلال مجلس مبادرت ورزید (۱۹۱۱ م). با وجود این، تبریز و قزوین هم‌چنان در اشغال نیروهای روسیه باقی ماند.^{۴۴} با آغاز جنگ جهانی اول، سربازان روسی مستقر در قزوین با کمک سایر نیروها و تجهیزاتی که با استفاده از همان راه گیلان به ایران ارسال می‌شد، برای سرکوبی دمکرات‌ها و سایر نیروهای مردمی ایران و نیز ممانعت از اقدامات قدرت‌های مرکزی وارد عمل گردید. سربازان روسی به فرماندهی کلنل (بعدها ژنرال) باراتوف^{۴۵} در دو ستون در محورهای راه ارابه‌رو تهران- قم و

۴۳. برای اسناد روسی مربوط به اعزام نیروی روسیه از طریق انزلی، کتاب نارنجی، ۲/ ۲۲۰ به بعد؛ برای اسناد ایرانی این رویداد، رک. اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران، ۹۰ به بعد.

44. Moberley, 37-39.

45. Colonel Baratoff

قزوین- همدان به سوی جنوب و غرب ایران پیشروی کردند. در محور اول، چند روز پس از اشغال قم (۱۲ صفر ۱۳۳۳/۲۰ دسامبر ۱۹۱۵م)،^{۴۶} ابتدا کاشان (۱۸ صفر ۱۳۳۳/۲۶ دسامبر ۱۹۱۵)^{۴۷} و سپس اصفهان را به تصرف خود درآوردند (۱۴ جمادی الاول ۱۳۳۴/۱۹ مارس ۱۹۱۶م).^{۴۸} در محور دوم نیز نیروی اصلی روسیه با استفاده از راه قزوین- همدان نخست همدان را از دست ملیون ایرانی خارج کرد و پرچم روسیه را در کنسولگری خود در این شهر به اهتزاز درآورد (۶ صفر ۱۳۳۳/۱۴ دسامبر ۱۹۱۵م).^{۴۹} آن‌گاه به‌زودی کرمانشاه را نیز اشغال کرد (۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۴/۲۵ فوریه ۱۹۱۶م).^{۵۰} در آن زمان، دیگر اهمیت احداث راه انزلی- قزوین- همدان از سوی روسیه در پیشروی نیروهای آن کشور در خاک ایران آشکار شده بود. بنا بر گزارشی از روزنامه تایمز لندن، در صورت نبود راه مذکور، این پیشروی نیروهای روسی با مشکل مواجه می‌شد (۲۷ صفر ۱۳۳۴/۴ ژانویه ۱۹۱۶).^{۵۱}

پیش‌بینی مقاومت احتمالی طوایف لر در برابر نیروی روسیه در طرح مورد بحث نیز چندان بی‌اساس نبود. اطلاعات موجود بر وقوع درگیری‌های آنها با سربازان روسیه در خلال جنگ جهانی اول دلالت دارد. شاید یکی از مهم‌ترین این برخوردها، حمله عشایر لرستان به یک ستون ۱۲۰ نفره قزاق‌های روسیه بود که قصد الحاق به نیروی بریتانیا در علی‌شرقی، شهری در شرق عراق امروزه تابع استان میسان، را داشتند. این درگیری به کشته شدن ۱۰۳ قزاق روس و به‌یغما رفتن تجهیزات و چارپایان ایشان منجر گردید (شعبان ۱۳۳۴).^{۵۲} به هر

46. Moberley, 132-133; "Acts of Rapine in Persia", *Times*, Nov. 25, 1915 and "Hunting the Persian Rebels", *Times*, Dec. 28, 1915.

47. "Diary of the War", *Times*, Jan. 4, 1916.

48. Moberley, 153; "Diary of the War", *Times*, April, 1, 1916.

49. Moberley, 132-133; "Hunting the Persian Rebels", *The Times*, Dec. 28, 1915; "Russians in Hamadan", *Manchester Guardian*, Dec. 18, 1915

50. Moberley, 143-144; "Hunting the Persian Rebels".

51. "Record Trip in Persia", *Times*, Jan. 4, 1916.

52. "Cavalry Scouting In Mesopotamia", *Times*, June 16, 1916.

رو، ولایات غرب ایرانی تا سقوط تزاریسیم عرصه حضور و عملیات سربازان روسیه برضد نیروهای مردمی ایرانی، سپاه عثمانی و نیز پایگاهی برای پیشروی بیشتر ایشان به بین‌النهرین گردید. این نیروهای روسی با استفاده از همان راه شوسه گیلان و همدان- قزوین به منطقه عملیاتی مذکور اعزام می‌شدند.

نتیجه

نقشه نظامی ارتش روسیه که در حدود ۱۹۰۷م برای عملیات در ایران طراحی شده بود، تنها سند نظامی برای توسعه‌طلبی ارضی سنت‌پترزبورگ در قلمرو ایران در سده‌های اخیر است. با این‌که این نقشه اساساً برای دستیابی به خلیج فارس و در نتیجه به‌مخاطره انداختن منافع بریتانیا در جنوب ایران طراحی شده بود، اما پس از اتحاد روسیه با این رقیب سنتی، در جنگ جهانی اول، برضد نیروهای ملی ایرانی - قدرت‌های مرکزی به‌اجرا گذاشته شد. این نقشه برای پیشروی در خاک ایران بر اساس استفاده از راه‌های شوسه انزلی- قزوین و قزوین- همدان طراحی گشته بود که امتیاز ایجاد آنها با هدف توسعه حمل‌ونقل و در نتیجه ارتقای مناسبات تجاری کشور از سوی دولت ایران به شرکتی خصوصی متعلق به اتباع روسیه اعطا شده بود. پروژه راه‌های مذکور تنها هنگامی به انجام رسید که دولت روسیه با سرمایه‌گذاری و خرید سهام این شرکت و اهتمام خود، راه‌های مذکور را که کاربرد نظامی نیز داشتند، احداث کرد. قطع نظر از تحولات داخلی و انقلاب در روسیه (۱۹۱۷م) و هم‌چنین نتایج جنگ جهانی، اجرای بخشی از طرح مورد بحث با هدف مقابله با نیروهای ملی ایرانی - قدرت‌های مرکزی کارآیی آن را به نمایش گذاشت.

پیوست: ترجمه متن سند

سری

بندی راهبردی از طرح‌های نظامی روسیه در ایران

ستاد فرماندهی [ارتش] بریتانیا در هندوستان، بخش اطلاعات، سیملا، ۱۹۰۹

مقدمه

بند زیر به گونه‌ای سری از منابع روسی در ایران به دست آمده است. چنین می‌نماید که بخشی از یک نقشه طراحی شده به وسیله ستاد ارتش روسیه برای اقدام نظامی آینده در ایران باشد.

متأسفانه تنها این بند از نقشه قابل دستیابی بوده، از این رو از دسترسی به نیت نویسنده آن در مورد عناوینی جالب، همانند سیستان و راه آهن بزرگ به چاه بهار محرومیم. به هر رو، توجه به این نکته حائز اهمیت است که گویا این نقشه، اشغال نه تنها حوزه رود کارون، که هم اکنون در آن حقوق بسیار قابل ملاحظه‌ای داریم، بلکه اقدام روسیه به اشغال محل‌هایی را در جنوب تا بوشهر و بندرعباس که برای نسل‌ها انحصاراً تحت نفوذ بریتانیا بوده، مد نظر دارد.

کلنل دابلیو. مالسون

معاون سر رشته داری کل، بخش اطلاعات سیملا

۲۷ می ۱۹۰۹

[متن بندی راهبردی از طرح‌های نظامی روسیه در ایران]

پیشنهادها و نظرات افسران روسی که برای مطالعه و به‌طور کلی برای اهداف نظامی از ایران دیدن کرده‌اند، به تصمیمات زیر منجر شده است:

۱. برای عملیات‌های نظامی آتی در ایران به دلایل زیر شهر قم باید به‌عنوان قرارگاه عملیاتی انتخاب شود:

الف. یک جاده اراهه‌رو برای هر نوع حمل‌ونقل از رشت به قم وجود دارد؛^{۵۳}

ب. سراسر این جاده امن و از تحریکات انگلیس در امان است؛

ج. شهر قم محل سکونت مردمانی صلح‌جو و مخالف جنگ است که انتظار هیچ اقدام خصمانه‌ای از جانب ایشان نمی‌رود؛

د) در مقابل، همه چیز بر این دلالت دارد که ساکنان دو طرف این جاده حامیان منافع روسیه هستند.^{۵۴}

۲. اهمیت این نقطه به عنوان قرارگاه عملیاتی در حدود ۵-۶ مرحله‌ای تهران،^{۵۵} این است که پایتخت ایران در پشت سربازان ما قرار می‌گیرد و بدین ترتیب اهمیت و نفوذ سیاسی خود را در سراسر کشور بیشتر از دست می‌دهد.

ما با در اختیار داشتن پایتخت، نه تنها در رابطه با قدرت‌های خارجی بلکه در چشم خود مردم ایران تفوق سیاسی به دست می‌آوریم. مزیت‌های مادی حاصل از این بابت نیز قابل ملاحظه است.

نخستین محور عملیات

۱. با جلو بردن قرارگاه عملیات به قم، دو راه در اختیار خواهیم داشت که هر دو کمابیش

۵۳. صحیح است؛ اما گفته می‌شود که در حال حاضر تعمیر بدی دارد.

۵۴. احتمالاً قلباً چنین نیستند؛ ممکن است که از ترس چنین شوند.

۵۵. فاصله تهران به قم، ۸۵ مایل و در چهار مرحله

برای آمدوشد وسایل نقلیه چرخدار قابل عبور هستند.

راه اول مستقیماً به سوی جنوب به کاشان منتهی می‌شود، و از آنجا با پرهیز از گردنه کهرود (قهرود) از طریق نطنز به اصفهان می‌رسد. این راه در سراسر طولش هیچ دشواری ندارد جز اندکی در نطنز که در هنگام پیشروی، به همت سربازان رسته مهندسی ما قابل رفع است؛ از آن پس راه آسان است.^{۵۶}

۲. قمشه می‌تواند و باید به عنوان یک مقر دیدبانی مقدم به کار گرفته شود.

۳. بیابان خالی از سکنه کویر نمک امنیت جناح چپ ستونی را که از این طریق به سوی اصفهان می‌رود، تأمین می‌کند،^{۵۷} و جناح راست باید به وسیله سربازانی حفاظت شود که به موازات آن ستون از مسیر دولت آباد، سلطان آباد،^{۵۸} گلپایگان، خوانسار، تیرون-کرون، نجف آباد به اصفهان پیشروی می‌کند. در اصفهان نیروهای این دو مسیر برای عملیات بعد، یعنی پیشروی از اصفهان به شوشتر، متمرکز خواهند شد.

۴. در طول راه قم به اصفهان جمعیتی پراکنده وجود دارد، و آذوقه و علوفه قابل دسترسی نمی‌تواند برای تدارکات یک نیروی بزرگ کافی باشد؛ از این رو، ستون بزرگ‌تر باید محور دوم، مسیر سلطان آباد- خوانسار- اصفهان، را اختیار کند که در بند ۳ فوق‌الذکر آمده است.^{۵۹}

۵. در طول نخستین محور ساکنان به واسطه خصوصیت ذاتی، بی‌اعتنا به امور پیرامونی خوداند و رفتاری خصمانه از سوی ایشان محتمل نیست و به سبب حفظ منافع شخصی

۵۶. قم به کاشان، ۵۰ مایل در سه مرحله: راه هموار و خوب جز در نزدیکی قم که در هوای بارانی دشوار، و در نزدیکی کاشان که خاک سبک و شنی است. این راه در نزدیکی نطنز یک دره سنگی را طی می‌کند.

۵۷. راهی قابل عبور از یزد به کاشان امتداد دارد.

۵۸. برای آشنایی با جایگاه و اهمیت سلطان آباد/ اراک امروز در راه ارتباطی قم- لرستان- خوزستان، رک.

[ک] Hotz, 343.

۵۹. در نخستین محور آذوقه اندک است؛ سرزمینی که راه دوم از آن می‌گذرد تا کمی بعد از خوانسار نسبتاً حاصل خیز و پرجمعیت است. از آنجا تا اصفهان از اراضی سنگی و بایر عبور می‌کند.

ابراز هر گونه مخالفتی از سوی ایشان بعید به نظر می‌رسد.

۶. ستونی که از طریق نخستین محور پیشروی می‌کند از دشواری‌های موجود در محور دوم مصون است. در راه اخیر در فواصل بین مراحل آب وجود ندارد. هم‌چنین در برخی از مراحل آذوقه و علوفه مورد نیاز، حتی برای یک نیروی کوچک نیز فراهم نیست مگر آن که پیشتر از روستاهای اطراف گردآوری شود.^{۶۰} به هر حال این کاستی با توجه به این واقعیت به سهولت برطرف می‌شود که در ایران غالباً راه اصلی از روستاهای پرجمعیت عبور نمی‌کند؛ اما آذوقه مورد نیاز می‌تواند از آنها تهیه شود و از طریق حمل محلی به هر نقطه از پیش تعیین شده انتقال یابد.

۷. دو ستون در حال پیشروی به سوی اصفهان در چه نقاطی دقیقاً می‌توانند با هم تماس داشته باشند از طریق بازشناسی هم‌زمان منطقه معلوم خواهد شد. به هر حال مسیر کناری از قم، سلطان آباد و دولت آباد عبور خواهد کرد و هر سه محور عملیات را به هم مربوط خواهد کرد.^{۶۱}

دومین محور عملیات

۱. نیروی توصیف‌شده برای عملیات نظامی در ایران، از رشت و دیگر نقاط به سوی قزوین حرکت خواهد کرد که از آنجا ستون عمده یا مرکزی با استفاده از جاده ارابه رو^{۶۲} به همدان و از آنجا به بعد از طریق دولت آباد، کمانی، گلپایگان، خوانسار به اصفهان پیشروی خواهد کرد؛^{۶۳} در اصفهان به ستون عمل‌کننده در نخستین محور ملحق می‌شود.

۶۰. باید دشواری کمی در گردآوری آذوقه وجود داشته باشد.

۶۱. ارتباط کناری بین کاشان و سلطان آباد وجود دارد: راه برای حمل و نقل محموله و آذوقه مناسب و نسبتاً خوب است.

۶۲. این جاده احتمالاً خوب نگاهداری می‌شود.

۶۳. این راه دارای آب و آذوقه فراوان است.

۲. این محور دوم از بخش‌های پرجمعیت می‌گذرد و مقادیر قابل ملاحظه‌ای مواد غذایی و علوفه قابل تأمین است.^{۶۴}
۳. از همدان راه‌های فرعی متعدد که همه به اصفهان منتهی می‌شود، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، به‌ویژه بیشتر برای توپخانه و سواره‌نظام.^{۶۵}
۴. منازل و توقفگاه‌ها در محل مناسبی قرار دارند، و سراسر این منطقه به خوبی آبیاری می‌شود.^{۶۶}
۵. اهالی از غریبه‌ها گریزان نیستند و همان‌گونه که در ایران معمول است بسیار صلح‌جویند و به‌گونه‌ای خیلی چشم‌گیر با لرها، بختیاری‌ها و کوچ‌روهای ایران تفاوت دارند، امکان اقدام خصمانه از سوی ایشان اصلاً وجود ندارد.^{۶۷}
۶. توصیه می‌شود همه وسایل نقلیه چرخدار و توپخانه از محور اول عملیات، و تنها نیروی پیاده و سوار از طریق محور دوم یا محور مرکزی فرستاده شوند. با این‌که در طول مسیر اخیر هیچ دشواری طبیعی در گردنه‌ها، تنگه‌ها یا رودهای بزرگ وجود ندارد، در جاهایی موانعی^{۶۸} هست که به‌رغم آسانی عبور، موجب تأخیر کلی در حرکت سربازان می‌شوند. این موضوع تنها مربوط به انتقال توپخانه است و پیاده و سواره نظام می‌توانند به آزادی پیشروی کنند.
۷. حرکت سربازان به وسیله کثرت امکانات محلی موجود که منحصر به قاطر، اسب بارکش، الاغ و شتر است، در هر دو محور به آسانی فراهم می‌شود.^{۶۹}

۶۴. تأیید می‌شود.

۶۵. صحیح است.

۶۶. تأیید می‌شود.

۶۷. پیشروی احتمالاً کاملاً بدون مواجهه با مقاومت خواهد بود.

۶۸. مانند جویبارها و دره‌های تنگ.

۶۹. در جاده چاپارخانه دار تهران - اصفهان وسایل نقلیه چرخدار نیز موجود است که دلیجان، درشکه، گاری، ارابه و غیره را شامل می‌شود.

۸. منطقه همجوار این محور دوم از دولت آباد به اصفهان مزروعی است و در آنجا کمبود حبوبات و دام نخواهد بود.

سومین محور عملیات

۱. سومین ستون پیشرو از دولت آباد به سوی بروجرد و خرم آباد خواهد رفت.
۲. تا خرم آباد شرایط محلی و خصوصیات مردم تقریباً مشابه دومین محور است.
۳. در خرم آباد این ستون نیرویی مستقل را تشکیل داده، قرارگاه خود را برای هر حرکت بعدی انتخاب خواهد کرد.^{۷۰}
۴. این نیرو باید از پیاده، سوار و تنها توپخانه کوهستانی تشکیل شود.^{۷۱}
۵. ترکیب نیروها به شکل فوق، به سبب شرایط محلی منطقه است که برای حدود ۲۶۶ مایل محل سکونت قبایل لر و به وسیله رشته کوه‌های متعدد، گردنه‌ها و دره‌های سخت و سایر دشواری‌های طبیعی از هم جدا می‌شوند.
۶. در سراسر راه خرم آباد به دزفول هیچ روستا یا اقامتگاه و زمین مزروعی وجود ندارد.
۷. سراسر این منطقه کوهستانی از جنگل غیر انبوه و عمدتاً بلوط پوشیده است. علف فراوان است و مردان ایلاتی را قادر به نگاهداری شمار زیادی گوسفند و مادیان خوب می‌کند.
۸. طوایف لر بسیار جنگ‌جویند و به‌ندرت حاکمیت [دولت] ایران را به رسمیت می‌شناسند.
۹. راه خرم آباد به دزفول حدود ۲۰-۲۵ سال پیشتر تا اندازه‌ای ساخته شد، اما هم‌اکنون بهتر از سایر مسیرهایی که از این منطقه عبور می‌کند، نیست. این راه برای سربازان پیاده و سوار قابل عبور و برای توپخانه صحرائی یا وسیله نقلیه چرخدار کاملاً غیر قابل استفاده

۷۰. در اینجا می‌توان قرارگاهی مناسب تأسیس کرد.

۷۱. تأیید می‌شود.

است.^{۷۲}

۱۰. این راه از میان قبایل عمدۀ لر به شرح زیر می‌گذرد:

در نزدیکی خرم آباد تا آب سرد، در دو طرف راه سگوندها، یوسفوندها، بایرانوندها، سور- امرائی^{۷۳} زندگی می‌کنند. این قبایل اصلی انشعابات کوچک‌تر را شامل می‌شوند؛ به عنوان نمونه، «سگوند» نام کلی است که طوایف جوانشیر، ملکی و غیره را در بر می‌گیرد.^{۷۴} هر قبیله «کوخه»^{۷۵} [محل سکونت] خود را [در کنار طوایف دیگر] دارد، اما هر گاه که بخواهد می‌تواند جدا و به دیگری ملحق شود؛ به عنوان نمونه سگوندها می‌توانند با پیوستن به طایفه سور- امرائی، خود را تابع نظرعلی خان کنند. موارد تفرقه یک قبیله اصلی و تجزیه آن به بخش‌های مختلف و دست کشیدن از نام اصلی آن وجود دارد.

در حوالی آب‌سرد، این راه از سرزمین طایفه کوچک جودکی عبور می‌کند.

۱۱. در اینجا راه دو شعبه می‌شود، یک شعبه^{۷۶} به گیلان [غرب] می‌رود که محل استقرار دیرک و ندها است. قبیله دیرک و نده بسیار وحشی‌اند و در قلعه‌های کوهستانی دست‌نیافتنی ساکن هستند.

از گردنه گیلان به برنجزار راه سراسیمبی است. دیرکوندها تا بالارود یافت می‌شوند.

راه دیگر از طریق سرزمینی کوهستانی و دره‌ها به ول میان، بادامک و پل تنگ

می‌رود.^{۷۷}

۷۲. در حال حاضر این مسیر یک راه مالرو مناسب است. از سرزمینی می‌گذرد که هیچ آذوقه‌ای به دست نمی‌آید جز گوسفند و بز که می‌توان از کوچ روها تهیه کرد. آب جویبارها خوب و فراوان و تعلیف به طور کلی خوب است.

۷۳. در متن نام این طایفه به شکل Sula-Amrai ضبط شده است [ک].

۷۴. از طوایف جوانشیر و ملکی به عنوان زیر شاخه‌های سگوند یاد نمی‌شود.

۷۵. Kukha: معنی این واژه معلوم نیست (برای معانی آن رک. دهخدا، ذیل کوخ و کوخه [ک]).

۷۶. این یک راه مالرو پوشیده از سنگ‌های لغزنده و بسیار دشوار می‌باشد که در آن گردنه گیلان مانعی بزرگ است. هیچ آذوقه‌ای وجود ندارد، اما آب کافی است.

۷۷. از دوراه، این اندکی بهتر است. فاقد آذوقه، آب فراوان و دارای علفزار خوب است.

ظاهراً این ناحیه محل سکونت هیچ قبیله‌ای نیست، و اگرچه این راه از جبال گیلان نمی‌گذرد و سه چهار مرحله طولانی‌تر است، اما به هر حال بیش از راه گردنه گیلان قابل استفاده است. جلوتر، در آب زال، این دو راه به هم می‌پیوندند و یک راه تا دزفول ادامه پیدا می‌یابد.

۱۲. به احتمال بسیار زیاد قبایل لر برای کمک به ما ترغیب نخواهند شد و چه بسا تا زمان ورود عینی ما، همانند بختیاری‌ها، تحت نفوذ بریتانیا باشند. به هر حال لرها کمتر از بختیاری‌ها آنگلو فیل/ هواخواه انگلیس‌اند، با وجود این بی‌گمان ما را نه به عنوان یک دوست بلکه دشمن خواهند پذیرفت. در ابتدا کسی نمی‌تواند روی تهیه آذوقه و علوفه از این منطقه حساب کند. اشغال لرستان باید سریع و منظم به اجرا گذاشته شود.^{۷۸} با تأسیس یک پایگاه برای ذخایر و زاغه‌های مهمات و در خرم آباد، ستون می‌تواند در پیشروی به سوی جنوب، در مسیر و در محل‌هایی چون آب‌سرد، گیلان و آب زال قرارگاه‌های مستحکم با انبارهای ملزومات و جز اینها بنا کند.

مصالح و سایر مواد مورد نیاز از خرم آباد تهیه خواهد شد.

۱۳. نظر به اهمیت لرستان، باید بکوشیم تا با استفاده از شیوه‌های صلح‌آمیز یا قوه قهریه این قطعه باریک از کشور ایران را به چنگ آوریم.^{۷۹} با این کار فاصله‌ای که ما را از هدفمان جدا می‌کند، کوتاه‌تر می‌شود، یعنی روسیه- شوشتر- اهواز.

۱۴. شوشتر در منتهی‌الیه جزیره مال‌میر^{۸۰} پس از تصرف ما یک دژ درجه اول خواهد شد.

۱۵. برای پیشروی در جنوب ایران، همه وسایل انتقال محموله‌ها باید از پیش در روسیه تهیه

۷۸. با در نظر گرفتن طبیعت دشوار این منطقه و رفتار احتمالاً خصمانه ایلاتی‌ها، این اشغال کاری آسان نخواهد بود.

۷۹. به نظر می‌رسد که موفقیت این اقدام مهم به مقدار زیاد بستگی به نتیجه عملیات در این منطقه دارد.

۸۰. این جزیره به وسیله آب‌گرگر و شاخه‌های شیط منسحب از رود کارون پدید آمده است.

شود.

۱۶. از اصفهان و خرم‌آباد نیروی اصلی در دو ستون پیشروی کرده، به دشت خوزستان وارد خواهد شد.^{۸۱}

۱۷. خوزستان غنی‌ترین ایالت در ایران است، و اگرچه در حال حاضر تحت مدیریت ایرانی وضع رو به زوالی دارد؛ با این حال انگلیسی‌ها سالانه چند ده هزار خروار گندم از آن صادر می‌کنند.^{۸۲} از این رو موقعیت به دست آمده در خوزستان می‌تواند قویا تحکیم شود.

۱۸. [در خوزستان] شمار عرب‌ها غلبه دارد که به گویش‌های عربی صحبت می‌کنند و تحت حکومت شیوخ خود هستند.

۱۹. سراسر سرزمین [خوزستان] دره‌ای پهناور را شکل می‌دهد که در جنوب تا کناره‌های فرات و سواحل خلیج فارس امتداد دارد.

۲۰. شرایط محلی موجود و نیز ملاحظات راهبردی ما را وادار به نفوذ در سرزمین بختیاری و لر می‌کند. پیشروی به سوی جنوب از طریق شیراز به بوشهر یا از طریق کرمان به بندرعباس مستلزم گذر از بیابانی‌ترین، ناسالم‌ترین و بی‌آب‌ترین منطقه است که در واقع مهیب‌تر از بختیاری‌ها و لرها است. رسیدن به خلیج فارس از طریق این سرزمین‌های بیابانی به مفهوم راهپیمایی‌های بی‌نهایت دشوار است.

افزون بر این دشواری‌ها، با رسیدن به بوشهر یا بندرعباس ممکن است که آن سرزمین‌های از پیش فقیر و با جمعیتی پراکنده را به سبب تغییرات اعمال شده از سوی انگلیسی‌ها، بیابانی واقعی بباییم که قادر به تولید چند روز آذوقه حتی برای یک گردان سرباز نیز نباشد.

۸۱. راه اصفهان به اهواز: از طریق جاده [احداثی کمپانی] لینچ ۲۰۳ مایل و ۱۸ مرحله است. یک راه مالرو نیز وجود دارد که در ماه‌های ژانویه، فوریه و مارچ به سبب برف غیر قابل عبور است. آذوقه گندم و جو به مقدار بسیار کم قابل تهیه است، هر چند گوسفند و بز فراوان است.

۸۲. تا حدی اغراق آمیز است. یک خروار معادل حدود $\frac{3}{4}$ یک تن انگلیسی است.

در بوشهر و نیز بندرعباس آب آشامیدنی بد و تا بدانجا نایاب است که با قایق از چشمه‌هایی در دهانه فرات آب می‌آورند.^{۸۳}

۲۱. بوشهر بندری نامناسب است؛ کشتی‌های کوچک باید در حدود $1\frac{1}{4}$ مایل جغرافیایی از ساحل لنگر بیندازند.

از سوی دیگر، بندرعباس بندری مناسب با لنگرگاهی خوب است. افزون بر آن که برخی ارزش‌های راهبردی را نیز دارد، در جای خوبی واقع است و به سهولت دارای استحکامات نظامی می‌شود تا از ورود هر شناور نامطلوب از طریق تنگه هرمز به خلیج فارس جلوگیری کند.

۲۲. با آمدن خوزستان به چنگ ما، موانع فوق‌الذکر برطرف می‌شود.

منابع این سرزمین ما را قادر به تحکیم و حفظ موقعیت‌مان می‌کند.

۲۳. در رابطه با محور عملیات ما از خرم‌آباد به شوشتر، آشکار است که جناح ما از جانب پشتکوه در معرض تهدید قرار دارد؛^{۸۴} از این رو ضروری است که با نیرویی جداگانه این منطقه اشغال و جناح راست ما امن شود.^{۸۵}

کتابشناسی

استرآبادی، میرزا مهدی خان، جهانگشای نادری، به کوشش سید ع. انوار، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷ش.

۸۳. این اظهارات کاملاً صحیح نیست. در بوشهر آب شور است و کشتی‌های بخار مخازن خود را در شط العرب پر می‌کنند؛ اما در بندرعباس، آب مناسب برای آشامیدن می‌تواند از چاه‌های کم عمق در نی بند، ۲/۵ مایلی شرق شهر، تهیه شود.

۸۴. دوراه از بغداد و یک راه از کوت العماره وجود دارد که از پشتکوه عبور می‌کند.

85. Division of the Chief of the Staff, Intelligence Branch, Russian Military Designs in Persia, a Strategical Fragment, secret, Simla, 1909, India Office, L/MIL/17/15/26.

اسنادی در باره هجوم انگلیس و روس به ایران، به کوشش م. ترکمان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۰ش.

اسنادی از روابط ایران و روسیه، ترجمه ر. مسلمانیان قبادیانی و ب. مسلمانیان قبادیانی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، ۱۳۷۸ش.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، المآثر والآثار، به کوشش ا. افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۷۴ش.

تیموری، ا.، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، اقبال، تهران، ۱۳۳۲ش.

جمالزاده، م.ع.، گنج‌شایگان، کاوه، برلین، ۱۳۳۵هـ.

در تکاپوی تاج و تخت، اسناد ابوالفتح میرزا سالارالدوله، به کوشش رضا آذری، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۷۸ش.

روستایی، م.، «سردار اکرم نظر علی خان طرهانی»، لرستان‌پژوهی، سال ۱-ش ۳ و ۴ (۱۳۷۷).

ساروی، محمد فتح‌الله بن محمد تقی، تاریخ محمدی، بکوشش غ. ر. طباطبایی مجد، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.

شیرازی، میرزا فضل‌الله، تاریخ ذوالقرنین، به کوشش ن. افشارفر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش.

کاظم بیکی، م.ع.، «بریتانیا و خطوط آهن ایران و خاورمیانه ۱۳۳۷هـ/۱۹۱۸-۱۹۱۹م»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۲۲ (۱۳۸۷).

همو، دریای مازندران و قدرت‌های بزرگ: امپریالیزم بریتانیا (۱۳۳۵-۱۳۳۸هـ)، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴ش.

همو، «کنسولگری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوران قاجاریه و کارکنان محلی آن»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۲ (۱۳۹۰).

همو، «مردم، علما و توسعه در عصر قاجاریه: راه گیلان»، فرهنگ، ۶۰ (۱۳۸۵).

کتاب نارنجی، به کوشش ا. بشیری، نشر نور، تهران، ۱۳۶۴ش.

گزارش‌های سیاسی علاءالملک، بکوشش ا. صفائی، چ ۲، گروه انتشاراتی آباد، تهران، ۱۳۶۲ش.

لیتن، و.، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹)، ترجمه م. میراحمدی، انتشارات معین، تهران، ۱۳۶۷ش.

Atkin, M., *Russia and Iran, 1780-1828*, University of Minnesota, Minneapolis, 1980.

- Baker, V., *Clouds in the East: Travels and Adventures on the Perso-Turkoman Frontier*, London, 1876.
- British Documents on Foreign Affairs*, Part I, Series B, vol. 13, ed. D. Gillard, University Publications of America, 1985.
- Cohen, A., *Russian Imperialism: Development and Crisis*, Praeger, Westport CT, 1996.
- Curzon, G. N., *Persia and the Persian Question*, London, 1892.
- Daily Journal* [London].
- Duffy, Ch. *Russia's Military Way to the West: Origins and Nature of Russian Military Power, 1700-1800*, Rout! Edge & Kegan Paul Ltd, London, 1985.
- Eastwick, E. B., *Journal of a Diplomat's Three Years' Residence in Persia*, London, 1864.
- Ermarth, F. W., "Russia's Strategic Culture: Past, Present and ... in Transition?" *Paper prepared for Defense Threat Reduction Agency*, U.S.A., 31 Oct. 2006, available at: www.fas.org/irp/agency/dod/dtra/russia.pdf.
- Farrington, A. J. (ed.), *British Intelligence and Policy on Persia (Iran), c. 1900-1949: India Office Political and Secret Files and Confidential Print*, ed., Brill, Leiden, 1999.
- Floor, W., "The Iranian Navy in the Gulf during the Eighteenth Century", *Iranian Studies*, 20- No. 1 (1987).
- Galbraith, J. S., "British Policy on Railways in Persia, 1870-1900", *Middle Eastern Studies*, 25- No. 4 (1989).
- Idem, "Britain and American Railway Promoters in Late Nineteenth Century Persia", *Albion: A Quarterly Journal Concerned with British Studies*, 21- No. 2 (1989).
- Gentleman's Magazine* [London]
- Hotz, A., "Persian Trade Routes", *Journal of the Society of Arts*, 47 (1898:Nov. 18-1899: Nov. 10).
- Hurewitz, J. C., *Diplomacy in the Near and Middle East, A Documentary Record: 1535-1914*, Vol. I, Princeton, 1956.
- Iran Political Diaries 1381-1965*, ed. by R. M. Burrell, Archives Editions, 1997.
- Kagan, F. W., *Military Reforms of Nicholas I: The Origins of the Modern Russian Army*, Martin's Press, New York, 1999.

- Kazemzadeh, F., "Russia and Britain in Persia, 1864- 1911", *Harvard Slavic Studies*, 4(1957).
- Kowner, R. (ed.), *The Impact of the Russo-Japanese War*, RoutledgeCurzon, London, 2007.
- Kuropatkin, Gen. A., *The Russian Army and Russo-Japanese War*, translated into English by Captain A. B. Lindsay, E. P. Dutton and Co., New York, 1909.
- Lobanov-Rostovsky, A., "Russian Imperialism in Asia. Its Origin, Evolution and Character", *The Slavonic and East European Review*, 8- No. 22 (1929).
- Lockhart, L., *Nadir Shah: A Critical Study Based Mainly Upon Contemporary Sources*, London, 1938.
- Idem, "The 'Political Testament' of Peter the Great", *The Slavonic and East European Review*, 41 (1936).
- Manchester Guardian* [Manchester]
- Mackinder, H. J., "The Geographical Pivot of History", *The Geographical Journal*, 23(1904).
- Marshall, A., *The Russian General Staff and Asia, 1800-1917*, Routledge, London, 2006.
- Moberley, Gen. F. J., *Operations in Persia, 1914-1919*, Her Majesty's Stationary Office, London, 1987.
- Mojtahed-Zadeh, P., *Small Players of the Great Game*, RoutledgeCurzon, 2004.
- Morning Post and Gazetteer* [London]
- Nazem, H., *Russia and Great Britain in Iran (1900-1914)*, Tehran, 1975.
- O'Brien, P. P. (ed.), *The Anglo-Japanese Alliance*, RoutledgeCurzon, London, 2004.
- Observer* [London]
- Reese, R., (ed.), *The Russian Imperial Army, 1796-1917*, Aldershot, Ashgate, 2006.
- Resis, A., "Russophobia and the 'Testament' of Peter the Great, 1812-1980," *Slavic Review*, 44: 4 (1985).
- Shneidman, J. I., "The Proposed Invasion of India by Russia and France in 1801", *Journal of Indian History*, 35(1957).

- Spring, D. W., "The Trans-Persian Railway Project and Anglo-Russian Relations, 1909-14", *Slavonic and East European Review*, 54-No. 1 (1976).
- Steinberg, J. W., *All the Tsar's Men: Russia's General Staff and the Fate of the Empire, 1898-1914*, Woodrow Wilson Center Press, Washington, D.C., 2010.
- Stone, D. R., *A Military History of Russia, From Ivan the Terrible to the War in Chechnya*, Praeger, Westport CT, 2006.
- Strong, J. W., "Russia's Plan for an Invasion against India in 1801", *Canadian Slavonic Papers*, 7(1965).
- Subtelny, O., "'Peter I's Testament": A Reassessment," *Slavic Review*, 33: 4 (1974).
- Sutherland Edwards, H., *Russian Projects against India*, London, 1885.
- Taylor, B. D., *Politics and the Russian Army: Civil-Military Relations, 1689-2000*, Cambridge University Press, Cambridge, 2003.
- Times* [London].
- U.K.: National Archives, FO, Annual Series of Trade Reports, Cd. 2682.
- ___: India Office, L/MIL/17/15/26
- Van der Oye, D. S., "Paul's great game: Russia's plan to invade British India", *Central Asian Survey*, 33:2(2014).
- Van der Oye, D. S. and B.W. Manning (eds.), *Reforming the Tsar's Army: Military Innovation in Imperial Russia from Peter the Great to the Revolution*, Cambridge University Press and Woodrow Wilson Press, 2004.
- Weekly Miscellany* [London].